

میوه‌های دموکراسی و محصول دین دولتی

انتخاب «حمزه یوسف» مسلمان فعال پاکستانی به نخست وزیری اسکاتلند، یعنی سپردن رهبری سیاسی کشوری اروپایی به فرزند یک مهاجر استعمار زده، تجربه درخشانی است از دموکراسی در تفکیک نهاد دین از نهاد دولت و در عین حال، یادآور وظیفه ملی و تکلیف شرعی دینداران برای ورود به سیاست و مشارکت در بهبود زندگی و رشد و توسعه جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند.

«حمزه یوسف» فرزند کسی است که به دنبال کار و زندگی آسان در سال ۱۹۶۰ از پاکستان به اسکاتلند مهاجرت کرده بود و به لطف پذیرش تنوع نژادی، آزادی و حقوق شهروندان، به تدریج بر پله‌های ترقی و کسب تجربه در پست‌های وزارت دادگستری، بهداشت و معاونت وزارت راه گام گذاشت و در انتخابات درونی یکی از مهمترین احزاب انگلستان به رهبری حزب و اینک به مقام نخست وزیری برگزیده شده است.^(۱)

مورد قدیمی‌تر آن انتخاب «صدیق خان» مسلمان پاکستانی بوی مقام شهرداری لندن بود که در رقابتی بلیک یهودی با نفوذ و میلیونر در سایه دموکراسی و انتخابات آزاد به پیروزی رسید؛ و نیز هموطن دیگرش^(۲) که به رهبری حزب کارگر اسکاتلند رسیده بود. انتخاب یک مسلمان متعهد در یک کشوری با اکثریت مسیحی، درسی است برای جوامع استبداد زده و خوارگرفته با سیاست خودی و غیرخودی در انحصار قدرت.

در تجربه‌ای مشابه از دموکراسی در سایه تنوع نژادی، انتخاب یک هندو (Rishi Sunak) به نخست وزیری «وست مینستر» (Westminster) در انگلستان است، او نیز همچون «حمزه یوسف» از نسل استعمار زدگانی است که اینک در انتخاباتی آزاد بر دو نسل بعد اربابان پدرش به رهبری می‌رسد!

چنین اتفاقاتی به این می‌ماند که فرزند یک مهاجر افغان که در ایران متولد شده روزی بتواند به دلیل شایستگی‌هایش به ریاست جمهوری ایران برسد، حتی اگر اهل تسنن یا بی‌دین باشد. این یعنی دولت فقط برای خدمات اجتماعی که از فرد بر نمی‌آید تأسیس می‌شود و مهم نیست که شخص چه باور دینی دارد یا ندارد. بگذریم که هموطنان سنی ما اجازه ندارند در تهران و سایر شهرهای بزرگ که اکثریت با شیعیان است، یک مسجد داشته باشند، چه رسد به وزارت برسند!

کم نیست تعداد ایرانیانی که در پیشرفته‌ترین کشورهای اروپایی به نمایندگی مجلس رسیده‌اند و یا همچون «امید نوری» خواننده رپ در دوران نوجوانی، که پس از مهاجرت از ایران ۱۶ سال عضو پارلمان فدرال آلمان بوده و اینک مشترکاً با فردی دیگر به رهبری حزب سبز آلمان برگزیده شده‌اند.

اگر ترکیب نمایندگان پارلمان کشورهای اروپایی به‌خصوص سوئد و نروژ و هلند را ببینید، از تنوع آنان در طیف زن و مرد، چپ و راست، مهاجر و متولد، و حتی همجنس‌گرا و ترنس سکشوال تعجب می‌کنید! اینها در واقع نمایندگان واقعی بد و خوب جامعه هستند که می‌خواهند بدون گذر از فیلتر «شورای نگهبان» برای زندگی مشترک شان برنامه ریزی کنند. عملاً هم می‌بینیم به رغم محرومیت از نظارت ولایت فقیه! «معاش» دنیاشان را به مراتب بهتر از ما اداره کرده‌اند. حدیث «من لامعاش له لا معاد له» را هم که فقیهان غافل از «معاد»! بهتر می‌دانند.

مهمتر و قدیمی‌تر از موارد فوق، به قدرت رسیدن «حلیمه یعقوب» دختر مسلمان محجبه یتیمی از اقلیت قومی مالایی در سال ۲۰۱۷ میلادی در سنگاپور است که به دلیل مرگ پدر کارگرس، مجبور به ترک تحصیل در هشت سالگی و کمک به مادرش در دستفروشی بازار برای تأمین زندگی ۴ خواهر و برادر خردسالش شده بود!

حلیمه پس از دو سال به مدرسه بازگشت و سرانجام با کسب دکترای حقوق و عضویت در هیئت علمی دانشگاه، پله‌های ترقی را به سرعت طی کرد؛ از نمایندگی مجلس گرفته تا مدیریت مؤسسه کار، ریاست کمیسیون قضایی مجلس، وزارت توسعه اجتماعی، رهبری «حزب اقدام ملت»، ریاست مجلس، وزارت خارجه، شهرداری، ریاست شورای شهر و بالاخره ریاست جمهوری سنگاپور! «حلیمه» نیز از اقلیتی مالزیایی تبار بود که توانست سنگاپور بدون نفت و گاز و منابع طبیعی را به کمک همکارانش در مسیر رشد و توسعه‌ای قرار دهد که امروز به یکی از نیرومندترین اقتصادهای جهان با مردمانی ثروتمند تبدیل شده است.

سنگاپور کشوری چند مذهبی است؛ بودایی، تائوئیست، هندو، مسیحی که مسلمانان اقلیتی حداکثر یک سوم این جامعه را تشکیل می‌دهند اما به دلیل حسن روابط با دیگر نحل‌های اعتقادی و خدمت به محرومین، توانستند نظر آنان را جلب کنند و «حلیمه یعقوب» از تبار مستضعفان را به چنان مقاماتی برسانند. نه کسی حلیمه یعقوب را به «حجاب» مجبور کرده بود و نه او در مقام قدرت حجاب را اجباری کرد. محصول و میوه عملکرد آن بانوی آزاد فکر، کسب اعتبار و آبرو برای کشور، مردمش، خود و باور دینی‌اش بود؛ و محصول ۴۳ سال نظام سلطه نظام ولایت مطلقه فقیه، فراری دادن کثیری از ملت ایران از دین آباء و اجدادی و به خاک سیاه نشان دادن ملت می‌باشد. جنبش زن، زندگی، آزادی امثال حلیمه یعقوب فراوان دارد، آیا وقت آن نرسیده که ارباب‌های خود خوانده از سر راه ملت کنار روند؟

۱ - تفصیل این واقعه در INFORMED COMMENT توسط خانم پروین اختر از دانشگاه گلاسکو و آستون آمده است.